

اگر میوه و تره‌بار بخشی از امنیت غذایی مردم است، چرا قیمت‌ها سرسام آور شده است؟

گیلاس، گوشواره‌های نیم میلیونی!



حسن فرامرزی

حالا دیگر وارد هر مغازه‌ای می‌شوی انگار پایت را وارد طلا فروشی گذاشته‌ای، گیلاس سرخ، گوشواره طلا شده است. میوه بخشی بزرگ و جدانشدنی از لذت بهار و تابستان است. آدم‌ها وقتی از گرما و داغی هوا در خرداد و تابستان گلایه می‌کنند معمولاً خود را این طور تسکین می‌دهند که اگر هوا گرم نشود میوه‌ها نمی‌رسند. گیلاس‌ها، زرد آلوها، انارها، سیب‌ها و دهها میوه دیگر سرخ و قرمز و زرد نمی‌شوند. این یعنی بخشی از تاب آوری گرمای اواخر بهار و دو سه ماه تابستان به میوه‌هایی است که قرار است حرارت بدن‌ها را با آب و املاح و شیرینی و دهها خاصیت دیگر جبران کنند اما داستان میوه چند سالی است تلخ و گزنده شده است. وقتی در میوه فروشی‌های معمول شهر - نه میوه فروشی‌های لاکچری شمال تهران که میوه‌های قاچاق وارداتی می‌فروشند - گیلاس کیلویی ۵۰۰، ۶۰۰ هزار تومان عرضه می‌شود بودن یا نبودن آن گیلاس‌ها که روزگاری آنقدر فراگیر و در دسترس بود که دخترکان به عنوان گوشواره بازی و لبخند از گوش‌های خود آویزان می‌کردند چه فرقی می‌کند. وقتی کالایی را نتوانی بخری یعنی آن کالا وجود ندارد، دست کم برای تو.

ما افراد طبقه متوسط که دخل و درآمد ما هیچ وقت قرار نیست کفاف خرج‌های متنوع زندگی مان را بدهد آنقدر در زندگی حایمان چاله داریم که حالا دیگر جایی برای میوه‌های نیم میلیونی نماند. طبقه‌ای که اکنون با وحشتی تازه در زندگی خود روبه‌رو شده است. وحشت از قیمت میوه‌ها و حتی صیفی‌ها. به خاطر همین است که آدم‌های حقوق‌های کف کارمندی دیگر نمی‌توانند فال‌بال وارد یک میوه فروشی شوند، گاهی در میدان‌های تره بار آدم‌های آبرومندی را دیده‌ام که نه کارتن خواب هستند و نه سر و وضع عجیب و غریبی دارند. آدم‌های محله‌اند. باز نشسته‌هایی با قیافه‌های موقر که در میان ضایعات صیفی‌ها و میوه‌ها دنبال چیزی می‌گردند که بشود بخشی سالم از آن را جدا کرد و سر سفره برد، آنها هم که حقوق بگیر و جوان ترند و وضعیت نسبتاً بهتری دارند گاهی حتی برای خرید یک هندوانه کلی حساب و کتاب می‌کنند.

وقتی وانتهی‌ها با ترند تابلوهای دروغ - نیم کیلو یا ۵ کیلویی که بسیار کوچک روی یک تکه کارتن نوشته شده - هندوانه‌های نامرغوب را که در شرایط نامطلوبی نگهداری شده و عموماً کیفیت پایینی دارد کیلویی ۴۰ هزار تومان می‌فروشند وضعیت در میوه فروشی‌ها روشن است. حالا یک هندوانه متوسط ۴۰۰ هزار تومان و بیشتر آب می‌خورد.

دوشنبه بازار؛ ضایعاتی به جای میوه

امروز برای خرید میوه به یک دوشنبه بازار محلی در اطراف کیانمهر کرج آمدم. مکانی که برای این بازار در نظر گرفته شده بیشتر شبیه یک بیغوله است و آدم را یاد فضای فیلم‌های مواد مخدری دهه ۶۰ می‌اندازد. محوطه پر از پلاستیک‌های متغفن و کثیفی است که از مدت‌ها قبل در این مکان پر از زباله‌ها شده‌اند اما نکته عجیب اینجاست که انگار هم فروشندگان دوره‌گرد که عموماً با وانت بارها و نیسان‌ها در این مکان میوه‌ها را یافته‌اند و هم خریداران به این وضعیت رضایت داده‌اند یا دست کم وانمود می‌کنند که همه چیز عادی و قابل تحمل است. در میان ردیف فروشندگان گاهی که صیفی‌جات، سبزیجات، میوه، ترشی، خیارشور، فارچ، کاهو و کلم‌ها را عرضه کرده‌اند قدم می‌زنم. فروشندگان با توجه به قدرت خرید مردم بیشتر صیفی، سبزی، سبزی‌مینی، پیاز و گوجه فرنگی آورده‌اند، میوه‌های فصل کمتر به چشم می‌خورد و اگر هم وجود دارد میوه‌های درجه دوم و سوم خودنمایی می‌کند، یعنی میوه‌هایی که در بالاشهر نام ضایعاتی رو آنها می‌گذارند اینجا به خاطر قدرت پایین خرید مردم به عنوان میوه عرضه شده‌اند.

یکی از فروشندگانه در حالی که برای ترشی‌هایش بازار گرمی می‌کند به بغل دستی‌اش که انواع ماکارونی‌های فله‌ای آورده - ماکارونی‌هایی که کلی خاک روی آنها نشسته - می‌گوید می‌خواهد باران ببارد. حواست باشد، نایلون آورده‌ای؟ بغل دستی سری به نشانه تأیید تکان می‌دهد.

در حال چرخیدن میان دستفروشی‌های میوه و صیفی هستم. زنی به فروشندگانه‌ای که گوجه‌سبزه‌ها را در بسته‌های نایلونی کیلویی ۱۵۰ هزار تومان می‌فروشد نزدیک می‌شود. کمی پایین‌تر از آنست می‌کنم و متوجه می‌شوم زن می‌خواهد گوجه‌سبزه‌ها را پس بدهد. داستان چیست؟ ترندی در فروش این گوجه‌سبزه‌ها از سوی فروشنده به کار گرفته شده است. یک طرف همه گوجه‌سبزه‌ها حالت آفت زده، زرد و سیاه رنگ دارد اما این گوجه‌سبزه‌ها طوری بسته بندی شده‌اند که آن طرف آفت زده به سمت داخل و در تیررس نگاه مشتری نباشد. مشتری از همه جایی خبر گوجه‌ها را خرید و طاعت نیاورده و در همان ماشینی که برای خرید آمده بوده نایلون گوجه‌ها را باز کرده و با منظره‌ای مواجه شده که انتظارش را نداشته است. فروشنده و خریدار در حال جر و بحث‌اند، مالباخته توپ پری دارد و آخر سر موفق می‌شود پولش را از فروشنده بگیرد. مشتری که می‌رود گوجه فروش انگار که با خودش حرف می‌زند می‌گوید: فکر کردی مغز خورده‌ام گوجه کیلویی ۴۰۰ تومن را ۱۵۰ تومن بدهم؟!

توپ در زمین خرده‌فروشی‌هاست؟

اما داستان قیمت‌های نجومی میوه را از چه زوایایی باید نگاه کرد؟ آیا باید آن را بخشی از وضعیت فعلی حاکم بر اقتصاد ایران دانست که روز به روز از ارزش پول ملی کاسته است یا نه می‌توان موضوع را به سوءاستفاده‌های شکل گرفته در شبکه توزیع میوه مربوط دانست؟ تحلیل‌ها در این باره متفاوت است. چندی پیش مجتبی شادلو، رئیس هیئت مدیره اتحادیه باغداران ایران، علت گرانی میوه را عدم رعایت سود در خرده‌فروشی‌ها عنوان کرده و گفته بود: «در کشور ما فضایی حاکم است که روند نظارتی یا شرایط روشنی برای عرضه از مبدأ تا مصرف ندارد. به‌طور مثال در ایام نوروز امسال سیب درختی درجه یک در بالاترین قیمت‌ها در عمده‌فروشی میدان میوه و تره‌بار بین ۱۰۰ تا ۱۱۰ هزار تومان، قیمت میوه‌های خاص بالای ۱۰۰ هزار تومان و قیمت تسایر محصولات کمتر از ۶۰ هزار تومان عرضه می‌شد، اما همان زمان در بازار تجریش سیب درختی با قیمتی بین ۳۰۰ تا ۳۵۰ هزار تومان به فروش می‌رسید که فاصله قیمتی زیادی را نشان می‌دهد. سهم سود خرده‌فروشی میوه و تره‌بار طبق قانون ۳۰ تا ۳۵ درصد سهم است و خرده‌فروشی نباید بیش از نرخ سود قانونی باشد.»

با این حال اگر واقعاً قانونی در این باره وجود دارد، چرا مبنای عمل قرار نمی‌گیرد؟ اگر چه به نظر نمی‌رسد ارزش ملک محل عرضه در چنین نرخ سودی مبنای قرار گرفته باشد با این حال ضعف مفرط در نظارت صحنه‌های شگفت‌انگیزی را رقم می‌زند. به عنوان مثال مشاهدات میدانی‌ام نشان می‌دهد حتی قیمت‌ها در یک راسته خیابان که ارزش ملک برابری با هم‌دیگر دارند و دست کم در اینجا مسئله شمال و جنوب وجود ندارد کاملاً سلیقه‌ای است. به عنوان مثال قیمت سیب زمینی در یک میوه و تره‌بار فروشی در راسته کیانمهر کرج ۳۵ هزار تومان قیمت خرده‌فروشی در حالی که هابیر میوه‌ای که ویتترین و نورپردازی خیره‌کننده‌ای برای خود دست و پا کرده حدود ۱۰۰ متر جلوتر از همان میوه فروشی سبزی‌مینی را کیلویی ۶۰ هزار تومان می‌فروشد در حالی که کیفیت تقریباً یکسان است بنابراین مراعات نکردن سود ۳۰ تا ۳۵ درصدی فروش نسبت به قیمت‌های میادین میوه و تره‌بار در خرده‌فروشی‌ها صرفاً مربوط

به ارزش ریالی مکان عرضه نیست. میوه فروشی که در شمال تهران میوه و تره‌بار می‌فروشد ارزش ملک و اجاره مکان بسیار بالاتری نسبت به میوه فروشی دارد که در جنوب شهر میوه عرضه می‌کند بنابراین طبیعی است که او بخواهد میوه را با سود بالاتری عرضه کند اما موضوع دقیقاً اینجاست چقدر بالاتر؟ در سال‌های گذشته اگر این موضوع در رسانه‌ها مطرح شده بیشتر بر جنبه‌های صفر و صدی، هیجانی و فصلی مواجه بوده و کم‌تر بر تدوین فرمولی کارشناسی و قابل نظارت رسیده است.

دلال‌ها؛ وضعیت باغدارها سوءاستفاده می‌کنند

اما محمد برخی هشتجین، ایثارگر، جانباز شیمیایی هشت سال دفاع مقدس و باغدار نمونه شهرستان تالش در پاسخ به سؤال من در این باره که عامل اصلی و تعیین‌کننده در قیمت‌های فضایی میوه‌ها را در چه می‌دانید، آیا باید این نرخ‌ها را بخشی جدایی‌ناپذیر از تورم بالای اقتصادی دانست، آیا باید این قیمت‌ها را به حساب شبکه معیوب توزیع و کافی نبودن سیاست‌های نظارتی و مدیریتی گذاشت؟ چه عاملی را در این باره تعیین‌کننده می‌دانید، می‌گوید: اولاً نوبرانه‌ها در همه سال‌ها قیمت‌های بالایی داشته‌اند اما در نظر بگیرید که این قیمت‌ها هیچ وقت سهم باغدارها نمی‌شود. شما اگر قیمت گیلاس را ۵۰۰ هزار تومان در نظر بگیرید شاید ۱۲۰ - ۱۰۰ هزار تومان دست باغدار را می‌گیرید و بیشترین سود از آن دلال‌ها، حجرده‌ها و خرده‌فروش‌ها می‌رسد. ما سال گذشته گران‌ترین شلیل را از باغدار اردبیل نهایتاً ۶۰ هزار تومان می‌خریدیم و خیر داشتیم که باغدار می‌تواند تهران همین شلیل را ۲۵۰ هزار تومان می‌فروختند، یعنی بیش از دو برابر قیمتی که باغدار می‌فروشد و دست مصرف‌کننده نهایی هم ۲۰۰ و خرده‌های می‌رسید. متأسفانه نگرش اشتباهی جاافتاده که دلال‌ها تصور می‌کنند با باغدار شریک‌اند. دلال‌ها به باغدارها مراجعه می‌کنند از وضعیت آن‌ها سوءاستفاده می‌کنند و می‌گویند محصول باغ را یکسریال در اختیار من قرار بده.

از برخی می‌پرسم سال‌هاست ما این نوع موضع‌گیری‌ها را می‌شنویم که دلال‌ها در بازار میوه‌تره‌بار یک تازی می‌کنند. واقعاً این یک زخم کهنه و تکراری شده است. چرا فضا این قدر برای فعالیت دلال‌ها فراهم است، او در این باره می‌گوید: بخشی از این موضوع به طبیعت و خصلت محصولی برمی‌گردد که باغدار

تولید می‌کند. میوه و تره‌بار محصولی است که نمی‌توان زیاد روی شاخه درخت نگه داشت، باغدار وقتی که محصول می‌رسد می‌داند میوه را به موقع باید برد کند. دلال‌ها این موضوع را می‌دانند، بنابراین باغدارها را زیر فشار قرار می‌دهند.

باغدار تشکل داشته باشد قیمت واقعی می‌شود

این باغدار درباره تجربه NGO بی‌که او و دوستانش در تالش با هدف اصلاح زنجیره تولید و توزیع کبوی تشکل دادند می‌گوید: ما در محصول کبوی تقریباً توانستیم دست واسطه‌ها را قطع کنیم، چون مستقیماً از باغدار می‌خریم، خودمان قیمت‌گذاری می‌کنیم و سود را به باغدار می‌دهیم. در این NGO چند نفر صادرکننده بزرگ، چند نفر سردخانه دار قدر و باغدارهای بزرگ حضور دارند، طرف با ۵ هزار درخت کبوی دیگر چنین NGO بی‌وجود ندارد چون باغدارها تشکل مؤثر و قدرتمندی ندارند عملاً قیمت‌گذاری به دست دلال‌ها می‌افتد، بنابراین طبیعی است دلال‌ها روی میوه‌هایی که از جنوب، شیراز، دماوند، قزوین، تاکستان، اردبیل و سایر نقاط کشور وارد تهران می‌شود سود نامتعارفی کشیده باشند.

از برخی میوه و تره‌بار کارگرد چنین سناز و کاری درباره میوه کبوی می‌پرسم، او در این باره می‌گوید: ما ۲۰ روز قبل از برداشت کبوی نشستنی بر گزار می‌کنیم و با هماهنگی نماینده عالی

دولت و فرمانداری، بر اساس تورم و هزینه‌های جاری استفاده شده کبوی را قیمت‌گذاری می‌کنیم، نظر می‌دهیم و رأی‌گیری می‌کنیم. یکی می‌گوید ۵۰ هزار تومان، باغدار می‌نظرش روی ۷۰ هزار تومان است، یکی می‌گوید ۱۰۰ هزار تومان، بعد دیدگاه‌ها بررسی می‌شود از جمله اینکه مثلاً پایه قیمت کبوی در سال گذشته ۷۰ هزار تومان بود سال قبل تر از آن ۵۰ هزار تومان بود، ممکن است بر اساس عرضه و تقاضا قیمت یک محصول حتی پایین‌تر بیاید اما تجربه و مستندات نشان می‌دهد، قیمت‌ها اغلب سیر صعودی دارد.

کارکرد این تشکل هم اینگونه است که چون مستقیم با باغدار وارد ارتباط می‌شود اجازه نمی‌دهد واسطه‌ها در این باره نقش آفرینی کنند. زمانی که باغدارها می‌خواهند با سرعت و با کیفیت باغدارها را باغدارها می‌فروشد، اما توانستیم حضور دلال‌ها را در باغ‌ها از بین ببریم اما آنها از سردخانه‌ها بعد فعال‌اند.

از برخی می‌پرسم اگر درست متوجه شده باشم شما راهکار منطقی کردن محصولات باغی را در این می‌بینید که NGO فضای فعلی فعال شوند، به آنها بدهیم تقویت‌شان کنیم که قدرت بگیرند و شبکه توزیع را اصلاح کنند اما چگونه؟ باغدار تالشی می‌گوید: سرچشمه این موضوع به نوع نگاه و مدیریت وزارت جهاد کشاورزی برمی‌گردد. آن‌ها نقش نظارتی

مصرف‌کننده خواهد رسید. دولت و جهاد کشاورزی چطور در گشت و مرغ به نفع مصرف‌کننده دست به دخالت می‌زنند درباره محصولات باغی هم می‌تواند مداخله‌های مثبت به نفع مصرف‌کننده نهایی انجام دهند. دولت می‌تواند محصول را به قیمت مناسب از باغدار بخرد و در سردخانه انبار کند و در زمان مناسب که بازار به این میوه نیاز دارد از طریق شبکه‌هایی که وجود دارد بازار را تأمین کند، مثل کاری که در گندم، گوشت و مرغ انجام می‌دهد. بالآخر میوه‌تره‌بار هم بخشی از امنیت غذایی جامعه محسوب می‌شود و اگر ارزش آن از گوشت و مرغ بیشتر نباشد کم‌تر نیست.

با این حال متأسفانه مدیران جهاد کشاورزی عکس‌العملی که شباهت‌های در این باره نشان نداده‌اند. مدیران حوزه کشاورزی باید از میان مسئولان واقعی و جامعه باغداری و کشاورزی انتخاب شوند یا دست کم اطلاعات میدانی و مستندی از واقعیت‌های این جامعه داشته باشند. متأسفانه مسئولانی که منصوب و مشغول به کار می‌شوند عموماً درگیر روزمرگی هستند و بی‌واسطه با باغداران و کشاورزان در ارتباط نیستند. چه اشکالی دارد مدیران بالادستی جهاد کشاورزی از دفاتر و جلسات خود بیرون بیایند و از نزدیک ببینند که زحمت یک باغدار به چه صورتی است. مدیری باید در رئوس بالادستی این وزارتخانه حضور داشته باشد که باغ و مزرعه را بشناسد و از جنس کشاورز باشد، در هر حال تا زمانی که جهاد کشاورزی استین بالانزند و از توان NGO‌ها به عنوان رابط میان نهادهای دولتی و باغدارها استفاده نکنند همین دلال‌ها جولان‌دار بازار خواهند بود و یک محصول تا به دست مصرف‌کننده نهایی برسد چهار، پنج دست خواهد چرخید و در هر بار چرخش دست کم ۲۰ تا ۲۵ درصد سود به قیمت محصول اضافه خواهد شد.

آنچه این باغدار تلاش می‌کند با زبانی ساده و همه‌فهم توضیح دهد این است که مسئله ما در شیوه معیوب عرضه محصولات باغی به ویژه در زمان فعلی که امنیت پولی مردم بیشتر از هر زمان دیگری در خطر است این است که مسئله عرضه مناسب محصولات باغی یک موضوع تعاملی و ارتباطی میان بدنه جامعه کشاورزی و باغی ایران، تشکل‌های مربوط به باغداران، سردخانه‌داران و مسئولان بالادستی در نهادهای حاکمیتی به ویژه وزارت جهاد کشاورزی است.

“

امروز برای خرید میوه به یک دوشنبه بازار محلی در اطراف کیانمهر کرج آمدم. مکانی که برای این بازار در نظر گرفته شده بیشتر شبیه یک بیغوله است و آدم را یاد فضای فیلم‌های مواد مخدری دهه ۶۰ می‌اندازد. محوطه پر از پلاستیک‌های متغفن و کثیفی است که از مدت‌ها قبل در این مکان پر از زباله‌ها شده‌اند

“

دولت و جهاد کشاورزی چطور در گوشت و مرغ به نفع مصرف‌کننده دست به دخالت می‌زنند درباره محصولات باغی هم می‌تواند مداخله‌های مثبت به نفع مصرف‌کننده نهایی انجام دهند. دولت می‌تواند محصول را به قیمت مناسب از باغدار بخرد و در سردخانه انبار کند و در زمان مناسب که بازار به این میوه نیاز دارد از طریق شبکه‌هایی که وجود دارد بازار را تأمین کند

